

# چگونگی محاسبه تعرفه معادل در حذف موانع غیر تعرفه‌ای و یکسان‌سازی حمایت‌ها (مطالعه موردی صنعت لاستیک کشور)

نویسندگان: دکتر محمد مهدی بهکیش\*  
حمیدرضا پرهیزگار

## چکیده

در چند دهه گذشته، به کارگیری الگوی جای‌گزینی واردات در کشور موجب استفاده گسترده از سیاست‌های حمایتی شده است. سیاست‌های حمایتی تجاری در دو شکل برقراری تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای به اجرا در می‌آیند. موانع غیر تعرفه‌ای به واسطه آن که عملکرد بازار را بیشتر از تعرفه‌ها محدود می‌نمایند و اثر زیان‌باری بر سازوکار قیمت‌ها دارند، نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی را بر آن داشته است تا برای ایجاد شفافیت در نظام قیمت‌ها، در صدد حذف این موانع برآیند و تعرفه‌ها را جای‌گزین این موانع بنمایند. بنابراین، تعیین معادل تعرفه‌ای برای موانع غیر تعرفه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. بدین منظور، با استفاده از شاخص نرخ حمایت مؤثر، نگاهی ژرف‌تر به این موضوع می‌اندازیم. همچنین برای ملموس شدن بحث، این روش‌شناسی را برای صنعت لاستیک کشور مورد استفاده قرار می‌دهیم.

## مقدمه

وجود منابع نفتی سرشار در مقایسه با سایر منابع در کشور، موجب گردیده تا در طول چند دهه گذشته، این بخش تأمین کننده اصلی نیازهای ارزی کشور باشد. وجود درآمدهای نفتی در دست دولت باعث شکل‌گیری نظام پیچیده‌ای گردیده که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن نقش پررنگ دولت در فعالیت‌های اقتصادی کشور است. به عبارت دیگر، اتکا به درآمدهای نفتی موجب ایجاد تقاضای مؤثر قابل توجه در اقتصاد ملی گردیده که پاسخ‌گویی به آن به اعمال سیاست جای‌گزینی واردات طی برنامه‌های گذشته کمک مؤثر کرده است و به همراه خود انواع سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی را نیز به ارمغان آورده است. در نتیجه، استمرار مسلط درآمدهای نفتی و گرایش به سیاست‌های جای‌گزینی واردات، صنایع کشور را برای سالیان طولانی زیر چترهای حمایتی، و بنابراین، در فضای غیررقابتی نگه داشته است.

در دو دهه گذشته، با کاهش تدریجی درآمد حاصل از فروش نفت، افزایش جمعیت و تغییر نرخ‌های تسعیر در سطح جهانی مواجه بوده‌ایم که در نتیجه - براساس برآورد نویسندگان - سرانه درآمدهای نفت از حدود ۶۰۰ دلار در سال ۱۳۵۶ به حدود ۶۰ دلار (به قیمت‌های ثابت) در سال گذشته کاهش یافته است، به ترتیبی که نیاز به کسب درآمدهای ارزی از محل صادرات غیرنفتی را ضروری و اجتناب‌ناپذیر نموده است. برای دست‌یابی به این هدف تعدیل سیاست‌های حمایتی دولت و حرکت به سوی الگوهای توسعه برون‌گر اجتناب‌ناپذیر شده است. برای نمونه، می‌توان به تعدادی از تصمیمات اتخاذ شده دولت که در جهت انتقال از اقتصاد نسبتاً بسته و حمایتی به فضایی باز و رقابتی است، به شرح زیر، اشاره نمود.

○ تک‌نرخی شدن ارز: این حرکت از بودجه سال ۱۳۷۹ به صورت جدی شروع شده است. به طوری که درآمد حاصل از نفت در بودجه به نرخ ارز حدود واریز نامهای محاسبه و منظور شده است و ارز مورد نیاز بخش‌های مختلف - بجز درآمد و هزینه مربوط به کالاهای اساسی - از طریق ارز واریزنامه‌ای تأمین خواهد شد.

○ براساس ماده ۱۱۵ برنامه سوم توسعه، موانع غیر تعرفه‌ای باید به تعرفه تبدیل شوند که این امر

نخستین قدم در جهت شفاف‌سازی سیاست‌های حمایتی و فراهم آوردن شرایطی است که با تعدیل نرخ‌های تعرفه، بتوان برای ایجاد فضای باز تجاری در کشور اقدام کرد.

○ انجام اقداماتی در خصوص عضویت در سازمان تجارت جهانی که بیش از دو سال است در جریان می‌باشد.

○ سامان‌دهی شرکت‌های دولتی برای واگذاری سهام و مدیریت آنان در برنامه سوم توسعه (فصل دوم و سوم) که به منظور تسهیل واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی انجام پذیرفته است.

○ تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی در برنامه سوم توسعه (فصل چهارم) که حرکتی سازمان یافته در رقابتی کردن بازار و کاهش انحصارات را دنبال می‌کند.

○ اقدام در جهت پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌ای و عدم ایجاد بدهی جدید (بند "الف" ماده ۳۹ برنامه سوم توسعه) که حرکتی برای شفاف‌سازی فضای اقتصاد دولتی و کاهش بدهی‌های دولت می‌باشد.

سیاست‌های فوق به منظور برقراری فضای رقابتی بیشتر برای بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صنعت است. این اقدامات در حالی صورت می‌پذیرد که صنایع کشور سالیان درازی تحت حمایت بوده‌اند و از طریق موانع غیرتعرفه‌ای (مجوزها) و تعرفه‌های بالا با احتساب نرخ ارز رسمی حمایت شده‌اند.

با توجه به ساختارهای قیمتی همراه با اختلال شدید و حمایت‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که بیشتر صنایع کشور، بدون چتر حمایتی قادر به رقابت با مصنوعات مشابه خارجی، حتی در بازارهای داخلی، نیستند. در نتیجه، با توجه به سیاست‌های آزادسازی و ایجاد فضای رقابتی که در حال اجراست، صنایع کشور برای انطباق با شرایط جدید، از یک سوی، نیاز به آگاهی از سطح حمایت موجود دارند، یعنی صنایع باید مطلع باشند در چه سطحی از تعرفه معادل، در وضعیت کنونی خود حمایت می‌گردند، و از سوی دیگر، شرایط تولید خود را برای کاهش تعرفه‌ها که به تدریج در آینده اتفاق خواهد افتاد، آماده سازند.

در این مقاله، با ارائه راه کارهای مناسب، نحوه محاسبه میزان حمایت واقعی از صنعت را با توجه به موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و ویژگی‌های هر یک و با استفاده از مشاهدات قیمتی، معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای را مشخص می‌نماییم. در بخش دوم، ضمن بیان روش شناسی محاسبه شاخص نرخ حمایت مؤثر (ERP)<sup>۱</sup> و با استفاده از روش جدول داده - ستانده و با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در بنگاه‌ها (مطالعه موردی) و انجام تحلیل حساسیت‌ها، روش محاسبه نرخ مؤثر تعرفه را ارائه می‌دهیم. در نهایت، در بخش سوم، برای صنعت لاستیک کشور، با استفاده از روش شناسی فوق، نرخ حمایت مؤثر و نرخ تعرفه مؤثر<sup>۲</sup> را محاسبه می‌نماییم.

## ۱. بررسی سیاست‌های حمایتی تجاری

در این بخش، دلایل و روش‌های اعمال سیاست‌های حمایتی تجاری را بیان می‌نماییم، و در نهایت، در خصوص معادل‌سازی موانع غیرتعرفه‌ای راه کاری پیشنهاد می‌کنیم.

### ۱-۱. علل به کارگیری سیاست‌های حمایتی تجاری

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، و گاهی در کشورهای توسعه یافته، سیاست‌گذاران اقتصادی کوشیده‌اند تا از فعالیت‌های اقتصادی در کشورشان حمایت کنند. البته میزان حمایت از هر یک از فعالیت‌ها به سطح رقابت‌پذیری آن محصول وابسته بوده است. یعنی هر چه یک محصول در سطح بین‌المللی رقابت‌پذیرتر باشد، نیاز به حمایت کمتری دارد، و برعکس. به طور کلی، مهم‌ترین دلایلی که برای اتخاذ سیاست‌های حمایت تجاری مطرح می‌شود، به شرح زیر می‌باشند:

الف) معادل ساختن هزینه کالای وارداتی با هزینه تولید کالای داخلی به وسیله سیاست‌های حمایتی، تا بدین وسیله امکان رقابت بین تولیدکنندگان داخلی و خارجی فراهم شود.

ب) افزایش سطح اشتغال از طریق افزایش تولید داخلی کالاهایی که قبل از اعمال سیاست‌های

1. Effective Rate of Protection

۲. نرخ تعرفه مؤثر را بعداً تعریف می‌نماییم.

حمایتی وارد کشور می‌شده‌اند.

ج) ایجاد درآمد برای دولت.

د) بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها.

ه) حمایت از صنایع داخلی در مقابل سیاست دمپینگ کشورهای دیگر.

و) حمایت از صنایعی که از نظر دفاع ملی و امنیت ملی اهمیت دارند.

ز) حمایت از صنایع نوپا در کشور.

سه مورد آخر از اعتبار بیشتری نسبت به سایر دلایل برخوردار است (سالواتوره، ۱۳۶۸). البته سطح حمایت از صنایع در دو دهه اخیر، به ویژه در بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به سرعت رو به کاهش است و علاوه بر کشورهای توسعه یافته که عملاً میزان تعرفه‌های گمرکی خود را به صفر نزدیک می‌کنند، کشورهای در حال توسعه نیز به سرعت شرایط خود را برای کاهش شدید تعرفه‌ها آماده می‌سازند.

## ۱-۲. طرق اعمال سیاست‌های حمایت تجاری

سیاست‌های حمایت تجاری، در یک تقسیم‌بندی کلی، در دو قالب تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شوند. تعرفه‌ها، در واقع، اخذ یک نوع مالیات بر پایه ارزش یا مقدار واردات کالا می‌باشد. وضع تعرفه در مورد کالاهای وارداتی معمولاً منجر به افزایش قیمت داخلی و کاهش مصرف آنها، و در نتیجه، کاهش واردات آن محصولات می‌شود.

هر اقدام دولتی بجز برقراری تعرفه که مستقیماً مانعی برای ورود کالا به کشور دیگر گردد یا به صورت تبعیض آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند را به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای تعریف می‌کنند. این تعریف دارای دو بخش جدا می‌باشد. بخش اول، مربوط به سیاست‌های غیرتعرفه‌ای اتخاذ شده توسط دولت است که مانعی برای ورود کالا به کشور می‌شود. بخش دوم، رفتار تبعیض آمیز را در خصوص شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای مطرح نموده است (کمیجانی، ۱۳۷۸). موانع غیرتعرفه‌ای (مجوزها) معمولاً باعث محدودیت کمی مستقیم بر میزان واردات می‌شوند و به طور غیرمستقیم باعث

افزایش سطح قیمت کالاهای وارداتی به کشور، و به تبع آن، کاهش مصرف این محصولات در داخل می‌گردند.

در ایران، بخش شایان توجهی از تعرفه دریافتی از کالاهای وارداتی مربوط به حقوق گمرکی و سود بازرگانی می‌باشد و مهم‌ترین مانع غیرتعرفه‌ای، لزوم اخذ مجوز از وزارتخانه‌ها (نظیر بازرگانی، صنایع، کشاورزی) برای واردات بعضی از کالاها می‌باشد. به عنوان نمونه بر پایه قانون مقررات واردات و صادرات سال ۱۳۷۸، مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات تایرهای سبک و سنگین، به ترتیب، معادل ۳۰ و ۴۰ درصد بوده و ورود این تایرها منوط به اخذ مجوز از وزارت بازرگانی و صنایع بوده است.

در خصوص مقایسه بین اثرهای موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در جدول ۱، مقایسه‌ای بین اثرهای تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای صورت گرفته است.

### جدول ۱. مقایسه اثرهای تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای

| آمار و قابلیت‌ها          | تعرفه | موانع غیرتعرفه‌ای |
|---------------------------|-------|-------------------|
| شفافیت                    | بیشتر | کمتر              |
| قابلیت پیش‌بینی           | بیشتر | کمتر              |
| امکان محدود شدن           | بیشتر | کمتر              |
| قابلیت تحریف تجارت        | کمتر  | بیشتر             |
| تأثیر و ناپایداری قیمت‌ها | کمتر  | بیشتر             |
| درآمدزایی برای دولت       | بیشتر | کمتر              |
| سرعت اثر بخشی             | کمتر  | بیشتر             |

مأخذ: کمیجانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳. تنظیم شده براساس اینگ اسکو (۱۹۶۶) و لایتس (۱۹۹۵).

همان طور که در جدول می‌بینید، تعرفه‌ها از جنبه شفافیت، قابلیت پیش‌بینی، قابلیت محدود شدن، کمی تحریف در تجارت و درآمدزایی برای دولت نسبت به موانع غیرتعرفه‌ای ارجحیت دارند. با

این حال، علت علاقه کشورها به اعمال سیاست‌های غیر تعرفه‌ای، مشخص بودن و سرعت بالای اثر بخشی این موانع می‌باشد.

از دیدگاه سازمان تجارت جهانی نیز اعمال سیاست‌های حمایتی از طریق تعرفه نسبت به موانع غیر تعرفه‌ای برتری دارد. براساس تصمیماتی که در دور اوروگوئه گرفته شد، کشورهای عضو گات و از سال ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی در ابتدا باید موانع غیر تعرفه‌ای را به تعرفه تبدیل نمایند و سپس طی مدت زمان مشخص، براساس توافق‌هایی که با دیگر کشورهای عضو به عمل می‌آورند، در راستای کاهش این تعرفه‌ها حرکت نمایند.

### ۱-۳. روش تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای

از منظر اقتصادی، محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای به صورت ناکارا عمل کرده، چون عملکرد بازارها را بیشتر از تعرفه‌ها محدود می‌نمایند و اثر زیان‌باری بر نظام رقابتی قیمت‌ها دارند (آندرسن، ۱۹۸۸). همان طور که در قسمت قبل هم گفتیم، تعرفه‌ها از شفافیت بالاتری نسبت به موانع غیر تعرفه‌ای برخوردارند و استفاده از تعرفه به جای موانع غیر تعرفه‌ای، منجر به شفافیت و کارایی بیشتر و ثبات در بازارهای جهانی می‌شود (موشینی، ۱۹۹۱).

گات و سپس سازمان تجارت جهانی نیز خواستار اعمال سیاست‌های بازرگانی از طریق تعرفه بوده و هستند. چون تعرفه به صورت شفاف میزان حمایت را نشان داده و انجام مذاکره میان کشورها در خصوص کاهش میزان حمایت در صورت تعرفه‌ای بودن موانع آسان‌تر می‌باشد که مؤید این موضوع نیز موفقیت گات در ادوار گذشته مذاکراتش در کاهش تعرفه‌هاست. برای نمونه، در دور اوروگوئه، کشورهای توسعه یافته و در حال گذار متعهد شدند که متوسط نرخ تعرفه محصولات صنعتی را به ترتیب، از  $\frac{6}{3}$  درصد به  $\frac{3}{8}$  درصد و از  $\frac{8}{6}$  درصد به ۶ درصد کاهش دهند. همچنین هر یک از کشورهای در حال توسعه با توجه به شرایط اقتصادی خود متعهد به کاهش نرخ‌های تعرفه شدند (راهنمای تجاری دور اوروگوئه، ۱۳۷۵، ص ۳۳۷).

همان طور که قبلاً هم گفتیم، موانع غیر تعرفه‌ای (مجوزها)، به طور غیرمستقیم باعث افزایش

قیمت کالاهای وارداتی به کشور می‌شود. بدین روی، روش متداول در کتی کردن موانع غیر تعرفه‌ای بهره‌گیری از این شکاف قیمتی است. در واقع، روش متداول برای تعیین معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای بر پایه تفاوت بین قیمت داخلی و قیمت جهانی کالاها می‌باشد. بنابراین:

$$t = \frac{P_d - P_w}{P_w}$$

t: معادل تعرفه‌ای

$P_d$ : قیمت عمده فروشی در داخل کشور (قیمت بازار داخلی)

$P_w$ : قیمت سیف (CIF)<sup>۱</sup> محصول وارداتی (قیمت بازار جهانی + هزینه حمل و بیمه)

ذکر نکات زیر در خصوص فرمول بالا ضروری است.

نخست، این روش در صورتی معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای را بیان خواهد کرد که شکاف قیمتی همه اثرها (و تنها اثرهای) موانع غیر تعرفه‌ای مورد بررسی را انعکاس دهد. معمولاً چون امکان جداسازی اثرهای قیمتی تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای به آسانی امکان‌پذیر نیست، فرمول فوق میزان کمی کل حمایت‌های صورت گرفته، چه تعرفه‌ای و چه غیر تعرفه‌ای را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان با کسر کردن میزان حمایت تعرفه‌ای از حمایت کل محاسبه شده از فرمول فوق معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای را محاسبه نمود.<sup>۲</sup>

دوم، استفاده از این فرمول در عمل آسان نیست. مهم‌ترین علت را می‌توان در ناهمگون بودن محصولات داخلی با مشابه خارجی خود و جنبه‌های کیفی و طبقه‌بندی محصولات دانست. برای رفع این مشکل می‌توان از تفاوت بین قیمت کالاهای وارداتی در داخل کشور و قیمت فاکتور استفاده نمود یا یک قیمت جهانی با توجه به قیمت‌های صادراتی و هزینه‌های حمل و بیمه برای محصولات داخلی معین نمود و از این قیمت به عنوان قیمت جهانی یا سیف محصول مورد نظر استفاده کرد.

### 1. Cost Insurance and Freight (CIF)

۲. برخی از پژوهشگران، شکاف قیمتی را معادل موانع غیر تعرفه‌ای فرض کرده‌اند (از جمله، رازینی، ۱۳۷۸، صفحه ۱۷۲). به نظر نویسندگان این مقاله، با توجه به فروض پیشنهادی و استدلال ارائه شده مناسب‌تر است شکاف قیمتی را معادل کل حمایت منظور نماییم.



سوم، موشینی (۱۹۹۱) استفاده از فرمول فوق را در شرایط رقابت ناقص، عدم قطعیت در قیمت‌ها و تخصیص ناکارآمد محدودیت‌های مقداری، نظیر استفاده از محدودیت‌های داوطلبانه صادرات ناکارآمد توصیف کرده است. با این حال، از روش شکاف قیمتی در پژوهش‌های انجام گرفته در سطح جهان، استفاده گسترده‌ای شده است.

## ۲. نرخ حمایت مؤثر و نرخ مؤثر تعرفه

### ۲-۱. مبانی نظری

نرخ‌های اسمی تعرفه، تصویر درستی از میزان حمایت از فعالیت‌های تولیدی را نشان نمی‌دهند. علت اصلی این امر، این است که تولیدکنندگان، علاوه بر حساسیت نسبت به نرخ‌های تعرفه محصولات مشابه وارداتی، نسبت به نرخ‌های تعرفه وضع شده بر نهاده‌های مورد استفاده در فرآیند تولید نیز حساس هستند. در نتیجه، نرخ حمایت مؤثر که بیانگر درصد افزایش هر واحد ارزش افزوده در یک فعالیت اقتصادی در نتیجه ساختار تعرفه‌ای و حمایتی نسبت به شرایط آزاد می‌باشد، معیار دقیق‌تری از میزان حمایت از فعالیت موردنظر است. بنابراین، نرخ حمایت مؤثر یک صنعت، نشان‌دهنده تفاوت درصدی بین ارزش افزوده صنعت در شرایط تجارت آزاد و در شرایط حمایت می‌باشد (کوردن، ۱۹۸۲).

فروض اساسی که در محاسبه جبری نرخ حمایت مؤثر در نظر گرفته می‌شود، به شرح زیر است:

۱. ضریب‌های ثابت: یعنی ضریب‌های فیزیکی در مورد داده‌ها در تولید داخلی محصول موردنظر ثابت می‌باشد که این ضریب‌ها برای تمام شرکت‌های داخلی نیز یکسان است.
۲. فرض کشور کوچک: یعنی کشش‌های عرضه خارجی واردات محصول و نهاده هر دو بی‌نهایت است.

۳. ابقای مبادله: یعنی پس از برقراری تعرفه‌ها نیز محصول و نهاده وارد کشور می‌شود. همچنین در محاسبه نرخ حمایت مؤثر، اولاً باید به مسئله جانشینی کالاها و نهاده‌ها در نتیجه تغییر روابط قیمتی به واسطه وضع تعرفه‌های گمرکی توجه شود. ثانیاً مسئله مالیات بر مصرف و تولید باید مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است که افزایش یا وضع مالیات بر مصرف نهاده‌ها باعث کاهش نرخ

حمایت مؤثر می‌شود.

البته می‌دانیم که در محاسبه نرخ حمایت مؤثر، نحوه یا طرز برخورد با نهاده‌های غیرقابل مبادله نیز مهم است. سه روش اصلی برای برخورد با این موضوع، به شرح زیر، وجود دارد.

### روش کوردن

بتاب‌نظر کوردن، نهاده‌های غیرقابل مبادله، همانند عوامل اولیه مورد استفاده در فرآیند تولید محصول، جزئی از ارزش افزوده هستند. به عبارت دیگر، در این روش، ارزش افزوده از دو عنصر تشکیل شده است: یکی ارزش افزوده عوامل اولیه و دیگری ارزش افزوده نهاده‌های غیرقابل تجارت (کوردن، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰)

### روش بالاسا

در این روش، طرز برخورد با نهاده‌های غیرقابل مبادله، همانند نهاده‌های قابل مبادله است. به بیان دیگر، در این روش فرض می‌شود که نهاده‌های غیرقابل مبادله دارای کشش عرضه بی‌نهایت هستند، در نتیجه، در این روش، ارزش افزوده مختص عوامل اولیه تولید است (بالاسا، ۱۳۶۸، ص ۳۵).

### روش ایده‌آل اسکات

این روش تعدیل یافته روش بالاسا می‌باشد. بدین صورت که نهاده‌های غیرقابل مبادله را همانند نهاده‌های قابل مبادله، در نظر می‌گیرد، ولی اجازه تغییر قیمت نهاده‌های غیرقابل مبادله را می‌دهد. روش کوردن در محاسبات عملی نرخ حمایت مؤثر بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

## ۲-۲. روش‌های محاسبه نرخ حمایت مؤثر

در این قسمت، روش محاسبه نرخ حمایت مؤثر را از طریق جدول داده - ستانده و همچنین با استفاده از اطلاعات روزآمد بنگاه‌ها (مطالعه موردی) مرور می‌کنیم.

## الف) محاسبه نرخ حمایت مؤثر از طریق جدول داده - ستانده

با استفاده از اطلاعات موجود در جدول داده - ستانده می‌توان نرخ حمایت مؤثر را برای هر یک از بخش‌های جدول محاسبه نمود. پس هر چه جدول بزرگ‌تر بوده و بخش‌های بیشتری را شامل شود، امکان محاسبه دقیق‌تر شاخص برای هر محصول وجود خواهد داشت.

در اطلاعات جدول داده - ستانده در هر بخش، سهم نهاده‌های واسطه‌ای داخلی و وارداتی و ارزش افزوده به تفکیک وجود دارد. نهاده‌های واسطه‌ای داخلی را به دو بخش مبادله‌ای و غیرقابل مبادله‌ای تقسیم نموده و سهم هر یک را محاسبه می‌نماییم. سپس با استفاده از الگوی پیشنهادی کوردن در مورد طرز برخورد با نهاده‌های غیرقابل مبادله، هر یک از این نهاده‌ها را به دو بخش زیر تقسیم می‌کنیم.

(۱) سهم نهاده‌های واسطه‌ای به کار رفته در تولید نهاده غیرقابل مبادله موردنظر

(۲) سهم ارزش افزوده در تولید نهاده غیرقابل مبادله موردنظر

همچنین فرض می‌شود که تعرفه‌های وضع شده بر نهاده‌های واسطه‌ای مصرف شده در کالاهای غیرقابل مبادله هزینه این نهاده‌ها را برای تولیدکننده افزایش می‌دهد.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، نرخ حمایت مؤثر یک بخش یا صنعت نشان‌دهنده تفاوت درصدی بین

ارزش افزوده صنعت در شرایط آزاد و حمایتی می‌باشد. یعنی

$$g_i = \frac{W_i - V_i}{V_i} = \frac{W_i}{V_i} - 1$$

$W_i$  = ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های داخلی

$V_i$  = ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های جهانی

$g_i$  = نرخ حمایت مؤثر از ستانده  $i$

نرخ حمایت مؤثر با استفاده از روش بالاسا (B) و کوردن (C) با استفاده از ضریب‌های جدول داده - ستانده داخلی به وسیله فرمول‌های زیر محاسبه می‌شوند. در واقع، باید در هر دو روش ارزش افزوده به قیمت داخلی و جهانی محاسبه گردد (بالاسا، ۱۳۶۸).

$$W_i^B = P_i - \sum_j a_{ji} P_j - \sum_n a_{ni} P_n$$

$$W_i^C = P_i - \sum_j a_{ji}P_i - \sum_j \sum_n a_{ni}P_i r_{jn}$$

$$W_i^C = W_i^B + \sum_w \sum_n a_{ni}P_i r_{wn}$$

که در آن:  $r_{jn} + r_{wn} = 1$

$$V_i^B = \frac{P_i}{1 + t_i} - \sum_j \frac{a_{ji}P_i}{1 + t_j} - \sum_j \sum_n \frac{a_{ni}P_i r_{jn}}{1 + t_j} - \sum_w \sum_n a_{ni}P_i r_{wn}$$

$$V_i^C = V_i^B + \sum_w \sum_n a_{ni}P_i r_{wn}$$

$$g_i^B = \frac{W_i^B}{V_i^B} - 1 = \frac{W_i^B - V_i^B}{V_i^B}$$

$$g_i^C = \frac{W_i^C}{V_i^C} - 1 = \frac{W_i^C - V_i^C}{V_i^C}$$

که در آن:

$W_i^B$ : ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های داخلی در روش بالاسا

$W_i^C$ : ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های داخلی در روش کوردن

$a_{ji}$ : ضریب نهاده قابل مبادله  $z$  در تولید کالای نهایی  $i$  به قیمت داخلی

$a_{ni}$ : ضریب نهاده یا کالای غیرقابل مبادله  $n$  در تولید کالای نهایی  $i$  به قیمت داخلی

$r_{jn}$ : مجموع ضریب‌های مستقیم و غیرمستقیم نهاده‌های واسطه‌ای به کار رفته در تولید کالای

غیرقابل مبادله  $n$  به قیمت داخلی

$r_{wn}$ : مجموع ضریب‌های مستقیم و غیرمستقیم ارزش افزوده به کار رفته در تولید کالای غیرقابل

مبادله  $n$  به قیمت جهانی

$t_i$ : نرخ حمایت اسمی از ستانده  $i$

$t_z$ : نرخ حمایت اسمی از نهاده  $z$

$P_i$ : قیمت داخلی ستانده یا محصول  $i$

$V_i^B$ : ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های بازار جهانی به روش بالاسا

$V_i^C$ : ارزش افزوده ستانده  $i$  به قیمت‌های بازار جهانی به روش کوردن

$g_i$ : نرخ حمایت مؤثر یا میزان حمایت از ارزش افزوده محصول یا صنعت  $i$  می‌باشد. به یقین، هر چه این میزان بالاتر باشد، قدرت رقابت پذیری صنعت  $i$  کمتر خواهد بود.

(ب) محاسبه نرخ حمایت مؤثر با استفاده از اطلاعات بنگاه (مطالعه موردی)

تدوین جدول داده - ستانده بسیار طولانی و هزینه بر است. بدین علت، اولاً این جدول برای تمام بخش‌ها و صنایع به طور جداگانه محاسبه نمی‌شود. ثانیاً این جدول با تأخیر زمانی طولانی چاپ می‌شود. برای نمونه، آخرین جدول داده - ستانده محاسبه شده برای ایران متعلق به سال ۱۳۷۰ می‌باشد. در نتیجه، اطلاعات این جدول‌ها، روزآمد نیست. بدین روی، برای رفع این کاستی، روش زیر که از اطلاعات به روز بنگاه‌ها استفاده می‌نماید ارائه می‌شود. فرمول محاسباتی این روش با در نظر گرفتن نظر کوردن در خصوص نهاده‌های غیرقابل مبادله، به شرح زیر است (شاه رکنی، ۱۹۷۹).

$$g_i = \frac{t_i - \sum a_{ji}t_e}{1 - \sum a_{ji}}$$

که در آن:

$g_i$ : نرخ حمایت مؤثر از محصول یا صنعت  $i$

$t_i$ : نرخ حمایت اسمی از محصول یا صنعت  $i$  است.

برای محاسبه دقیق‌تر نرخ حمایت مؤثر می‌توان با کمی کردن موانع غیر تعرفه‌ای بر پایه راه کار ارائه شده و جمع آن با نرخ تعرفه میزان حمایت اسمی واقعی از محصول یا صنعت  $i$  را در محاسبات منظور کرد.

$a_{ji}$ : سهم نهاده  $i$  در هر واحد هزینه محصول  $i$  به قیمت‌های آزاد تجاری

$t_e$ : متوسط نرخ تعرفه بر نهاده‌ها، برای این منظور نهاده‌های مورد استفاده در تولید محصول  $i$  را به دو بخش داخلی و وارداتی تقسیم می‌نماییم.

$$t_e = t_\alpha - 1$$

$$t_\alpha = \alpha t_c + (1 - \alpha)(1 + t_j)$$

$\alpha$ : درجه خودکفایی تولید محصول  $i$

$t_c$ : نسبت قیمت داخلی اجزای تولید شده در داخل به ارزش جهانی (CIF) اجزای تولید شده در داخل کشور

$t_j$ : نرخ حمایت اسمی از نهاده ز مورد استفاده در تولید محصول  $i$

در این جا نیز  $g_i$  بیانگر نرخ حمایت مؤثر از محصول یا صنعت  $i$  می باشد. هر قدر این میزان بزرگ تر باشد، این صنعت برای حفظ شرایط موجود نیاز به نرخ تعرفه بالاتری دارد.

### ۳-۲. بررسی تحلیل حساسیت نرخ حمایت مؤثر نسبت به نرخ حمایت اسمی از محصول و نهادهها

برای بررسی تحلیل حساسیت نرخ حمایت مؤثر نسبت به نرخ حمایت اسمی از محصول و نهادهها باید از فرمول مورد استفاده برای محاسبه نرخ حمایت مؤثر نسبت به  $t_e$  و  $t_j$  مشتق بگیریم. بنابراین، داریم:

$$\frac{\partial g_i}{\partial t_i} = \frac{1}{1 - \sum a_{ji}}$$

این رابطه، در واقع، اثر تغییر در نرخ حمایت اسمی از صنعت  $i$  را بر نرخ حمایت مؤثر از این صنعت مشخص می نماید. هر قدر سهم نهادههای مصرفی در تولید کالای  $i$  بالاتر باشد، حساسیت نرخ حمایت مؤثر نسبت به تغییرات نرخ حمایت اسمی از کالای  $i$  بالاتر خواهد بود.

$$\frac{\partial g_i}{\partial t_e} = \frac{-\sum a_{ji}}{1 - \sum a_{ji}}$$

همان طور که انتظار می رفت، افزایش نرخ حمایت اسمی و نهادههای مورد استفاده در محصول یا صنعت  $i$  منجر به کاهش نرخ حمایت مؤثر از صنعت  $i$  می شود.

## ۲-۴. روش محاسبه نرخ تعرفه مؤثر

منظور از نرخ تعرفه مؤثر سطح حمایت اسمی موردنیاز از محصول یا صنعت است، تا سطح حمایت مؤثر فعلی از صنعت موردنظر ثابت باقی بماند. در واقع، نرخ تعرفه مؤثر نرخى است که می تواند سطح حمایت فعلی را برای صنعت موردنظر فراهم آورد.

برای محاسبه نرخ تعرفه مؤثر فرمول محاسبه نرخ حمایت مؤثر را برحسب نرخ حمایت اسمی از محصول یا صنعت  $i$  محاسبه می نماییم. در نتیجه، فرمول محاسبه نرخ تعرفه مؤثر بر پایه روش داده - ستانده و روش مطالعه موردی، به شرح زیر، پیشنهاد می شود:

$$t_i^* = \frac{\alpha t_j + g_i [\lambda + t_j - \alpha]}{g_i \alpha + \lambda + t_j - \alpha t_j}$$

$$\alpha = \sum a_{ji} P_i - \sum_j \sum_n a_{ni} P_i f_{jn}$$

فرمول فوق نرخ تعرفه مؤثر را بر پایه روش داده - ستانده محاسبه می نماید. پارامترهای مورد استفاده در فرمول در قسمت قبل معرفی شده اند.

$$t_i^* = g_i (\lambda - \sum a_{ji}) + \sum a_{jite}$$

فرمول فوق، نرخ مؤثر تعرفه را بر پایه مطالعه موردی و استفاده از اطلاعات بنگاهها محاسبه می نماید.

## ۳. محاسبه نرخ حمایت و تعرفه مؤثر برای صنعت لاستیک

در این قسمت، با توجه به مطالب بیان شده در فصل دوم مقاله، با استفاده از روش جدول داده - ستانده و روش مطالعه موردی می کوشیم تا نرخ حمایت مؤثر را محاسبه نموده و براساس آن نرخ تعرفه مؤثر برای این صنعت را محاسبه کنیم.

## ۳-۱. محاسبه نرخ حمایت مؤثر به روش مطالعه موردی

در این قسمت، برای محاسبه نرخ حمایت مؤثر، ۱۰ سائز مهم مجتمع صنایع لاستیک کرمان

انتخاب شده و از اطلاعات این شرکت برای محاسبه شاخص فوق بهره گرفته ایم. همچنین سازه‌های مورد بررسی را در دو دسته تایر سبک و سنگین تقسیم نمودیم. بدین نحو که ۶ سازه اول جزو تایرهای سبک و ۴ سازه بعدی جزو تایرهای سنگین قرار گرفته‌اند. مبانی نظری و الگوی محاسبه نرخ حمایت مؤثر در قسمت قبل به طور مشروح بیان شده است. در نتیجه، برای محاسبه نرخ حمایت مؤثر از رابطه زیر استفاده شده است:

$$g_i = \frac{t_i - \sum a_{ji} t_c}{1 - \sum a_{ji}}$$

برای محاسبه نرخ حمایت مؤثر، لازم است اجزای موردنظر رابطه فوق محاسبه شوند. این مقادیر برای هر ۱۰ سازه محاسبه گردیده و در جدول زیر آمده است:

| $\sum a_{ji}$ | $a_{2i}$ | $a_{1i}$ | $\alpha$ | $t_c$ | $t_c$ | $t_j$ | سایز   |
|---------------|----------|----------|----------|-------|-------|-------|--------|
| ۰/۴۰۹         | ۰/۱۵۷    | ۰/۲۵۲    | ۰/۳۸     | ۱     | ۰/۰۶۲ | ۰/۲۶  | ۵۶۰-۱۳ |
| ۰/۴۳          | ۰/۰۸۳    | ۰/۳۴۷    | ۰/۱۹     | ۱     | ۰/۰۸۱ | ۰/۳۱  | ۱۶۵-۱۳ |
| ۰/۳۵۴         | ۰/۰۸۲    | ۰/۲۷۲    | ۰/۲۳     | ۱     | ۰/۰۷۷ | ۰/۱۷  | ۱۷۵-۱۴ |
| ۰/۵۲۶         | ۰/۱۱۶    | ۰/۴۱     | ۰/۲۲     | ۱     | ۰/۰۷۸ | ۰/۲۲  | ۷۰۰-۱۶ |
| ۰/۵۲۵         | ۰/۰۸۵    | ۰/۴۴     | ۰/۱۶     | ۱     | ۰/۰۸۴ | ۰/۲۷  | ۷۵۰-۱۶ |
| ۰/۵۷۵         | ۰/۰۹۵    | ۰/۴۸     | ۰/۱۶     | ۱     | ۰/۰۸۴ | ۰/۳۰  | ۸۲۵-۱۶ |
| ۰/۵۷۹         | ۰/۰۹۶    | ۰/۴۸۳    | ۰/۱۶     | ۱     | ۰/۰۸۴ | ۰/۳۰  | ۲۰-۱۲  |
| ۰/۵۸۳         | ۰/۱۰۸    | ۰/۴۷۵    | ۰/۱۸     | ۱     | ۰/۰۸۲ | ۰/۲۳  | ۱۰-۲۰  |
| ۰/۵۹۵         | ۰/۰۹۸    | ۰/۴۹۷    | ۰/۱۶     | ۱     | ۰/۰۸۴ | ۰/۲۷  | ۱۲-۲۴  |
| ۰/۴۶۸         | ۰/۱۷۷    | ۰/۲۹۱    | ۰/۳۸     | ۱     | ۰/۰۶۳ | ۰/۰۵  | ۱۴-۳۸  |

$t_j$  بیانگر نرخ حمایت اسمی از هر یک از سازه‌ها می‌باشد که با استفاده از فرمول  $t_j = \frac{P_d - P_w}{P_w}$

به دست آمده است. بنابراین، نرخ حمایت اسمی از تایرها شامل محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای نیز می‌باشد که در جدول بعدی اثر این موانع به طور جداگانه محاسبه شده است.



$t_e$  بیانگر نرخ حمایت اسمی از نهاده‌های مورد استفاده در تولید انواع تایر می‌باشد که روش محاسبه آن به طور مشروح در قسمت قبل بیان گردیده است.

$t_e$  بیانگر نسبت قیمت داخلی نهاده‌های تولید شده در داخل کشور به قیمت جهانی این نهاده‌ها می‌باشد، این نسبت با در نظر گرفتن قیمت داخلی و جهانی این نهاده‌ها و قیمت ارز واریزنامه‌ای برای صنعت لاستیک معادل یک فرض شده است. به عبارت دیگر، قیمت جهانی و داخلی نهاده‌های مورد استفاده این صنعت با در نظر گرفتن نرخ ارز واریزنامه‌ای معادل می‌باشد.

$\alpha$  نشان دهنده نسبت سهم نهاده‌های داخلی به کل نهاده‌های مصرفی در تولید هر سایز می‌باشد.

$a_{1i}$  و  $a_{2i}$ ، به ترتیب، بیانگر سهم نهاده‌های داخلی و خارجی در تولید هر تایر می‌باشد و  $\sum a_{ji}$  مجموع این دو است.

همان طور که گفتیم، نرخ حمایت اسمی از هر یک از سایزها با استفاده از فرمول  $t_i = \frac{P_d - P_w}{P_w}$  محاسبه شده است. حال برای نشان دادن اثر موانع غیر تعرفه‌ای، میزان حمایت تعرفه‌ای از حمایت کل کسر شده است. در جدول زیر، اثر هر یک از موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به تفکیک در کنار نرخ حمایت مؤثر هر یک از تایرها آمده است.

| حمایت مؤثر | حمایت غیر تعرفه‌ای | حمایت تعرفه‌ای | کل حمایت اسمی | سایز   |
|------------|--------------------|----------------|---------------|--------|
| ۰/۳۱       | ۰/۱۵۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۲۶          | ۵۶۰-۱۳ |
| ۰/۴۸       | ۰/۲۰۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۳۱          | ۱۶۵-۱۳ |
| ۰/۲۲       | ۰/۰۶۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۱۷          | ۱۷۵-۱۴ |
| ۰/۳۳       | ۰/۱۱۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۲۲          | ۷۰۰-۱۶ |
| ۰/۳۳       | ۰/۱۶۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۲۷          | ۷۵۰-۱۶ |
| ۰/۵۹       | ۰/۱۹۴              | ۰/۱۰۶          | ۰/۳۰          | ۸۲۵-۱۶ |
| ۰/۶۰       | ۰/۲۱۶              | ۰/۰۸۴          | ۰/۳۰          | ۱۲-۲۰  |
| ۰/۴۲       | ۰/۱۴۶              | ۰/۰۸۴          | ۰/۲۳          | ۱۰-۲۰  |
| ۰/۵۴       | ۰/۱۸۶              | ۰/۰۸۴          | ۰/۲۷          | ۱۲-۲۴  |
|            | -۰/۰۳۴             | ۰/۰۸۴          | ۰/۰۵          | ۱۴-۳۸  |

از جدول فوق نتایج زیر به دست می‌آید:

- به طور متوسط، نرخ حمایت مؤثر برای تایلر سبک معادل ۳۹٪ است. به بیان دیگر، از ارزش افزوده این تایلرها در کشور به میزان ۳۹٪ حمایت صورت گرفته است.
- به طور متوسط، نرخ حمایت مؤثر برای تایلرهای سنگین معادل ۴۵٪ است. یا به عبارت دیگر، از ارزش افزوده این تایلرها در کشور به میزان ۴۵٪ حمایت صورت گرفته است.
- به طور متوسط، موانع غیر تعرفه‌ای به میزان ۱۴٪ از صنعت لاستیک حمایت انجام داده است.

### ۲-۳. محاسبه نرخ حمایت مؤثر از صنعت لاستیک با استفاده از روش جدول داده - ستانده

آخرین جدول داده - ستانده تنظیم شده در ایران متعلق به سال ۱۳۷۰ می‌باشد که توسط مرکز آمار ایران تهیه شده است. این جدول، یک جدول  $78 \times 78$  بخشی می‌باشد که بخش ۳۹ آن مربوط به محصولات لاستیکی و پلاستیکی می‌باشد.

اطلاعات اصلی موردنیاز فرمول‌های عنوان شده در قسمت قبل برای نرخ حمایت مؤثر، استخراج

و محاسبه شده است که به شرح زیر می‌باشد:

$$\sum a_{ji} = 0/46898$$

$$\sum a_{ni} = 0/148187$$

$$\sum_w \sum_n a_{ni} f_{wn} = 0/10606$$

$$\sum_j \sum_n a_{ni} f_{jn} = 0/02905$$

$$t_j = 0/029$$

همچنین برای نرخ حمایت اسمی از لاستیک دو سناریو در نظر گرفته شده است. در سناریوی اول، نرخ حمایت اسمی از صنعت لاستیک معادل نرخ تعرفه و در سناریوی دوم معادل نرخ تعرفه به اضافه معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای در نظر گرفته شده است. با توجه به فرمول‌های ارائه شده در قسمت قبل و دو سناریوی فوق، نتایج زیر حاصل شده است:

| $g_i^C$ | $g_i^B$ | $V_i^C$ | $V_i^B$ | $W_i^C$ | $W_i^B$ |             |
|---------|---------|---------|---------|---------|---------|-------------|
| ۰/۱۷    | ۰/۲۳    | ۵۸۲۸    | ۴۳۴۴    | ۶۸۴۵    | ۵۳۶۱    | $t_i=۰/۱۰۶$ |
| ۰/۵۵    | ۰/۸۳    | ۴۴۰۵    | ۲۹۲۱    | ۶۸۴۵    | ۵۳۶۱    | $t_i=۰/۲۴۶$ |

$W_i^C$  و  $W_i^B$ ، به ترتیب، بیانگر ارزش افزوده تولید هر کیلو تایر به قیمت داخلی به روش بالاسا و کوردن می‌باشد.

$V_i^C$  و  $V_i^B$ ، به ترتیب، بیانگر ارزش افزوده تولید هر کیلو تایر به قیمت جهانی به روش بالاسا و کوردن می‌باشد.

$g_i^C$  و  $g_i^B$ ، به ترتیب، بیانگر نرخ حمایت مؤثر از صنعت لاستیک به روش بالاسا و کوردن است. ذکر این نکته ضروری است که در قسمت قبل، نرخ حمایت مؤثر با استفاده از روش کوردن محاسبه گردیده است. بنابراین، نتایج حاصل از روش کوردن در محاسبه نرخ حمایت مؤثر از طریق جدول داده - ستانده با روش قبلی قابل قیاس است.

### ۳-۳. محاسبه نرخ تعرفه مؤثر برای صنعت لاستیک

نرخ مؤثر تعرفه، بیانگر نرخ است که سطح حمایت مؤثر فعلی از صنعت یا بخش مورد نظر را به عمل می‌آورد. همان طور که دیدیم، در روش مطالعه موردی، میزان حمایت مؤثر از تایرهای سبک، به طور میانگین، معادل ۳۹٪ و از تایرهای سنگین معادل ۴۵٪ می‌باشد. بنابراین، نرخ‌های تعرفه‌ای که می‌توانند این نرخ حمایت مؤثر را برای هر یک از این تایرها برآورده نمایند با توجه به میانگین به دست آمده برای نهاده‌های مورد استفاده برابر است با:

$$t_i^E = g_i (1 - \sum a_{ji}) + \sum a_{ji} t_e \quad \text{داشته‌یم:}$$

$$t_i^E = ۰/۳۹ (1 - ۰/۴۵) + (۰/۴۵) (۰/۰۷۶)$$

$$= ۰/۲۱۴ + ۰/۰۳۴$$

$$t_i^E = ۰/۲۴۸$$

یعنی نرخ تعرفه مؤثر برای تایرهای سبک معادل  $۲۴/۸\%$  می‌باشد. به عبارت دیگر، با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و با اعمال نرخ تعرفه  $۲۴/۸\%$  بر واردات تایرهای سبک (با اعمال نرخ ارز واریزنامه‌ای) حمایت فعلی از ارزش افزوده تایرهای سبک محقق می‌شود.

برای تایرهای سنگین داریم:

$$t_{iE} = ۰/۴۵ (۱ - ۰/۵۶) - (۰/۵۶) (۰/۰۷۹)$$

$$t_{iE} = ۰/۲۴۲$$

پس نرخ تعرفه مؤثر برای تایرهای سنگین معادل  $۲۴/۲\%$  درصد می‌باشد. به بیان دیگر، با در نظر گرفتن معادل تعرفه‌ای برای موانع غیرتعرفه‌ای، اعمال نرخ تعرفه  $۲۴/۲\%$  درصدی (با در نظر گرفتن نرخ ارز واریزنامه‌ای) بر واردات تایرهای سنگین سطح حمایت موجود در سال  $۱۳۷۸$  را برای این تایرها تأمین می‌نماید.

نرخ‌های به دست آمده، تا زمانی که شرایط بازار صنعت لاستیک مطابق با فروض ما باشد، برقرار خواهند بود. برای نمونه، با در نظر گرفتن قیمت سایه‌ای  $۱/۴$  دلار برای تایر که مطابق با قیمت صادراتی تایرهای کشور نیز می‌باشد، نرخ حمایت لازم به سطح  $۵۰\%$  افزایش می‌یابد. بر پایه محاسبات صورت گرفته در سطح قیمت  $۱/۴$  دلار برای هر کیلو تایر، این صنعت از مزیت اقتصادی خارج می‌گردد.

نکته دیگر این که بنگاه‌های صنعتی کشور، از جمله صنعت لاستیک، به واسطه شرایط حاکم بر کشور، به طور غیر ارادی، مواجه با مشکلاتی هستند که منجر به افزایش قیمت تمام شده آنها می‌شود (نظیر زمان زیاد گشایش اعتبار اسنادی، هزینه بالای تأمین پول به دلیل نرخ بالای ریسک، محدودیت‌های قانون کار، برقراری عوارض مختلف) که نتیجه این امر کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی این بنگاه‌ها می‌باشد. بدین روی، ضروری است تا زمان حذف این گونه موانع، معادل کمی شده این موانع که باعث افزایش قیمت تمام شده واحدهای لاستیک ساز کشور شده‌اند به نرخ‌های به دست آمده اضافه گردد تا توان رقابتی بنگاه‌ها در همان سطح باقی بماند.

## خلاصه و نتیجه گیری

در این مقاله، ابتدا فضای غیررقابتی حاکم بر صنایع کشور، به واسطه اعمال انواع سیاست‌های حمایتی طی دهه‌های گذشته را بیان نمودیم که منجر به حرکت‌های اصلاحی در این زمینه شده است. یکی از مهم‌ترین حرکات اصلاحی کشور در خصوص شفاف‌سازی سیاست‌های حمایتی، تصمیم در خصوص تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه می‌باشد که در برنامه سوم توسعه کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. بدین روی، ضمن بیان ویژگی‌های تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای، شکاف قیمتی حاصل از موانع غیرتعرفه‌ای را ایزاری در جهت کمی کردن موانع غیرتعرفه‌ای دانستیم.

همچنین نرخ حمایت مؤثر را بیانگر میزان واقعی حمایت از صنایع کشور دانستیم که از جنبه‌های مختلف این نرخ مورد بحث قرار گرفته است. برای کاربردی کردن مطالب ارائه شده، صنعت لاستیک کشور را به عنوان مطالعه موردی انتخاب نمودیم. نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر آن است که متوسط نرخ حمایت مؤثر از تایرهای سبک تولیدی در کشور معادل ۳۹٪ و این نرخ برای تایرهای سنگین معادل ۴۵٪ می‌باشد. برای حفظ این میزان حمایت از صنعت لاستیک و با در نظر گرفتن فروض محاسباتی، نرخ‌های تعرفه ۲۴/۸ و ۲۴/۲، به ترتیب، برای تایرهای سبک و سنگین محاسبه گردیده است. طبیعی است با تغییر شرایط بازار، نرخ‌های تعرفه پیشنهادی دچار تغییر خواهند شد. برای نمونه، اگر سطح قیمت سایه‌ای تایر در کشور را معادل قیمت صادراتی بنگاه‌های داخلی یعنی ۱/۴ دلار به ازای هر کیلو در نظر بگیریم، سطح تعرفه مطلوب به ۵۰٪ افزایش می‌یابد. البته در این قیمت - براساس محاسبات صورت گرفته توسط نویسندگان این مقاله - صنعت لاستیک از مزیت خارج خواهد شد. برای موانعی که در برابر فعالیت واحدهای تولیدی وجود دارند و محدود کننده و هم‌زمان افزایش دهنده هزینه‌های آنها هستند، معادل تعرفه‌ای محاسبه نشده است. اگر بخواهیم این موانع را نیز به معادل تعرفه‌ای تبدیل کنیم، نیاز به کار پژوهشی جداگانه‌ای دارد.

## منابع

## الف) فارسی

- بالاسا، بلا. (۱۳۶۰). استراتژی توسعه در کشورهای نیمه صنعتی. (محمدعلی حقی، مترجم). وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- بهکیش، محمدمهدی. (۱۳۷۹). بررسی اثرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنعت لاستیک کشور. گزارش طرح تحقیقاتی برای انجمن صنفی صنعت لاستیک.
- رازینی، ابراهیم علی. (۱۳۷۸). روش‌های منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سالواتوره، دومینیک. (۱۳۶۸). نظریه‌های تجارت بین‌المللی. (گلریز، مترجم). نشر نی.
- سلامی، حبیب‌الله. (۱۳۷۷). تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران در یک مدل تعادل عمومی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- سلمانی، بهزاد. (۱۳۷۱). بررسی سیاست‌های حمایت ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: مقاله تطبیقی حمایت مؤثر در دو صنعت اتومبیل سازی و تراکتورسازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کمبجانی، اکبر. (۱۳۷۸). موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و محصولات کشاورزی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- کوردن، دلبیو. ام. (۱۳۷۱). تئوری حمایت. (احمد شاه رکنی، مترجم). انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- موشینی، لو؛ لوه اینکو. (۱۳۷۷). تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت. (احمد یزدان پناه و ابراهیم رازینی، مترجمان). مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. (۱۳۷۵). راهنمای تجاری دور اورگوته.

## ب) انگلیسی

- Anderson, J.E. (1985). The Relative Inefficiency of Quotas: The Cheese Case. *American Economic Review* 15: 178-90.
- Bruno. (1972). Domestic Resource Cost and Effective Rate of Protection. *Journal of Political Economy*.
- Moschini, Giancallo. (1991). *Economic Issue in Tariffication; "An Overview"* GATT Research Paper 90-GATT.
- Shahrokni, A. (1979). *Effective Protection & National Content Requirement: The Case of Iranian Automobile Industry*. Ph.D. Dissertation, Utah State University.
- Tizhosh Taban, M.H. (1980). *Protection and the Cost of Protection, a Case Study for Iran*. Ph.D. Dissertation. Lancaster Univ.

منتشر شد

راهبرد توسعه  
و  
مدیریت اقتصاد بازار  
جواد اول

مترجمان : مهدی یازوکی  
تیمور محمدی